

# در حاشیه وقایع خرم آباد

در کشمکش‌های درونی حکومت اسلامی، جبهه دوم خرداد از جنبش دانشجویی و مطبوعات بیشترین سود را برده است. مطبوعات این جبهه بود که با تشریح و تفصیل جامعه مدنی آینده درخشانی را در مقابل دیدگان مردم ترسیم کرد. از این دریچه این ارگان نقش مهمی در جلب آراء مردم و کشاندن آن‌ها به پای صندوق‌های رأی ایفا نمود. ابزار دیگری که در این میان نقش کمتری از مطبوعات نداشت جنبش دانشجویی بود. این جنبش به مثابه بازوی فشار جبهه دوم خرداد، تعرضات محافظه کاران را با برپایی تظاهرات‌های خیابانی و گردهم‌آیی‌های اعتراضی در سطح جامعه و بدین ترتیب به تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی پاسخ می‌گفت. محافظه کاران نیز به اهمیت این دو ارگان در نزد جبهه دوم خرداد بخوبی واقف بوده‌اند، براین مبنا مهار مطبوعات و جنبش دانشجویی در صدر برنامه‌هایشان قرار داشته است. آنچه در خرم‌آباد گذشت در واقع انعکاس این جدال‌های درونی حاکمیت بوده است. کارگران در دخالت و یا حمایت از چنین وقایعی هیچ منافعی ندارند و اگر قرار است گشایشی در زندگی اسفبارکنونی آن‌ها به وجود آید راهی جز به زیر کشیدن سرمایه داری و مدافعین اسلامی و غیراسلامی‌شان وجود ندارد.

بدنبال برگزاری "اردوی سیاسی فرهنگی" دفتر تحکیم وحدت در خرم‌آباد، این شهر از روز چهارشنبه ۲ شهریور تا روز یکشنبه به صحنه درگیری‌های خونین دانشجویان، گروه‌هایی از مردم و گروه‌های فشار محافظه کاران تبدیل شد. این وقایع زمانی آغاز گشت که گروه‌های فشار با برپایی تظاهرات و اشغال فرودگاه خرم‌آباد از ورود سروش و محسن کدیور که برای ایراد سخنانی در اردوی دانشجویی دفتر تحکیم وحدت دعوت شده بودند، ممانعت نمودند. در جریان این حوادث و براساس مذاکرات و توافقات بعمل آمده از سوی سپاه پاسداران که از گروه‌های فشار حمایت می‌کرد و دستگاه استانداری که در اختیار جبهه دوم خرداد است، سروش و کدیور در میان تدابیر امنیتی استانداری خرم‌آباد را به قصد تهران ترک می‌کنند. (۱)

در اعتراض به آنچه بر سخرانان دفتر تحکیم وحدت گذشت، دانشجویان در روز پنج شنبه با شعارهای "امیرکبیر ایران خاتمی قهرمان"، "خونی که در رگ ماست هدیه به میهن ماست" در مقابل فرمانداری تجمع کرده دست به تحصن زدند. این تحصن مورد حمله گروه‌های فشار قرار گرفت و با تجمع آن‌ها در مقابل خوابگاه دانشجویان و برگزاری نماز جماعت به زد و خورد‌های خونین کشیده شد.

روز جمعه سخنان آخوند کاظمی نماینده ولی فقیه و امام جمعه خرم‌آباد که اظهار داشت "آن دو نفر که در رفتند حال توصیه می‌کنیم بقیه مهمانان ناخوانده این اردو را هرچه زودتر از این استان ببرند، لریستان جای این‌ها نیست" زمینه دور جدیدی از درگیری‌ها را مهیا ساخت. بدنبال این سخنان شورای تامین استان طی جلسه فوق‌العاده‌ای از دفتر تحکیم وحدت خواست تا به اردوی خود پایان دهد. این حکم شورای تامین استان که در کنترل جبهه دوم خرداد قرار دارد خشم دانشجویان را برانگیخت و آن‌ها در لغو این تصمیم، در سطح شهر دست به راهپیمایی زده از مردم درخواست کردند که به حمایت از آنان برخیزند.

بنابر گزارش مطبوعات این راهپیمایی که دانشجویان و بخش‌هایی از مردم نیز در آن شرکت داشتند، تا دو روز ادامه داشت و مورد حمله گروه‌های فشار و نیروهای انتظامی قرار گرفت و به خشونت گرائید. در جریان این وقایع یک افسر پلیس کشته و مراکز سپاه که از ابتدا به طور سازمان‌یافته گروه‌های فشار را مورد حمایت قرار داده بود، مورد حمله قرار گرفت و برخی از ساختمان‌های دولتی نیز آسیب دید.

در واکنش به رویدادهای خرم‌آباد دفتر تحکیم وحدت با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن اشاره به قوه قضائیه و سپاه پاسداران که از گروه‌های فشار طرفداری می‌کنند، رفتارهای آن‌ها را غیر مدنی خواند و نوشت:

"دوران این رفتارهای غیر مدنی در این جامعه گذشته". بدین ترتیب از آن‌ها خواست "تا دچار خشم و قهر ملت نگشته‌اند دست از شب پرستی و تیره‌اندیشی بردارند و به یقین بدانند این بیراهه که اینان گزیده‌اند پایان و انجامی ندارد".

مدافعان جبهه دوم خرداد در مجلس از زبان علی شکوری‌راد عضو هیئت رئیسه مجلس وقایع خرم‌آباد را نقض قانون توصیف کرده و گفت:

"اردوی قانونی دفتر تحکیم وحدت با اقدامات غیرقانونی عده‌ای که بنابر اظهار برخی افراد عده‌ای مسلح نیز در میان آن‌ها بود عملاً چند روز است که به تعطیلی کشیده شده است". او ضمن متهم کردن امام جمعه خرم‌آباد گفت:

"امام جمعه خرم‌آباد دانسته یا ندانسته در این اقدام که علیه نظام صورت گرفت نقش موثری داشته و باید پاسخگوی اقدامات انجام شده باشد".

جبهه مشارکت ایران اسلامی نیز که یکی از مهم‌ترین نهادهای جبهه دوم خرداد است با انتشار بیانیه‌ای اعلام داشت "آنچه این روزها در خرم‌آباد اتفاق افتاد متأسفانه حاکی از آن است که بار دیگر باند مافیای قدرت تحت حمایت عناصر شناخته شده به بحران آفرینی جدیدی دست زده‌اند". در این بیانیه همچنین آمده است که هدف محافظه کاران "به خشونت و افراط کشیدن سیاسی جامعه و ایجاد بدبینی و یاس نسبت به روند اصلاحات" است.

کلیه احزاب و گروه‌های اپوزیسیونی، همانگونه که از حرکات دانشجویان و "مردم" در جریان وقایع دانشگاه تهران حمایت کرده بودند این بار نیز سیاست مشابهی را اتخاذ کردند. هریک البته به فراخور حال، با دست زدن به عملیات چریکی، انتشار اطلاعیه‌ها، مراسم سخرانی و خلاصه برگزاری آکسیون‌های اعتراضی به ستایش از دانشجویان و "مردم" پرداختند. جناح چپ نیز بنا به عادت همیشگی و با اتکا به سیاست مردم پرستی کوشش نمود تا نشان دهد که رویدادهای خرم‌آباد اساساً ربطی به جناح‌های رژیم نداشت و حرکتی مستقل بود. با این استدلال آن‌ها از کارگران خواستند تا برای تقویت این جنبش مداخله کنند.

## رفقای کارگر!

این مسئله منتفی نیست که بسیاری از توده‌های زحمتکش، بیکاران، کارگران فصلی، روشنفکران، جوانان بیکار و همه آنانی که در سایه عوارض دردناک بحران سرمایه‌داری به حاشیه جامعه برتاب شده‌اند در دفاع از بقای خود و به امید گشایشی در زندگی نکبتبار کنونی با دخالت در کشمکش‌های حکومتی خود را به هر آب و آتشی می‌زنند. اینان بدلیل موقعیت لرزان و بی ثبات خود در سازمان اجتماعی جامعه تصویر روشنی از چگونگی دست یافتن به اهداف خود ندارند و بدین ترتیب فاقد یک چشم‌انداز طبقاتی و ناتوان از سازمان‌یابی مستقل خویش‌اند. به موازات این خصیصه مبارزات آن‌ها نیز ناگهانی، بی‌دوام و بدون برنامه ریزی است. لاجرم همانگونه که روند رویدادها چه در گذشته و چه در امروز نشان داده است، مبارزاتشان نیز به‌ویژه در غیاب یک حزب انقلابی نیرومند و یک جنبش اعتصابی قدرتمند که مراکز آن در صنایع و مراکز تولیدی قرار دارد یا بسرعت به نیروی مادی فراکسیون‌های بورژوازی تبدیل می‌شود و یا در جدال‌های درونی آن‌ها بروز می‌یابد. بدین ترتیب چشم‌انداز چنین جنبش‌هایی حتی اگر "مستقل" باشند نهایتاً راه را برای تغییر و تحولات در درون حکومت یا در عالی‌ترین شکل به دست گرفتن قدرت توسط فراکسیون‌هایی از سرمایه‌داری که در اپوزیسیون قرار دارند هموار خواهد ساخت. اکنون نیز بورژوازی از شکل‌گیری چنین جنبش‌هایی هراس ندارد، بلکه بیم آن دارد که شیوع اعتصابات توده‌ای کارگری در مراکز تولیدی که می‌تواند چهارچوب سیاسی و سازمانی هماهنگی به کلیه اعتراضات بدهد ابتکار عمل را از دست آن‌ها خارج سازد.

حمایت و یا پیوستن طبقه کارگر به چنین جنبش‌های عمومی‌ای که نقداً در کنترل بورژوازی قرار دارند تنها به پراکندگی در صفوف طبقه و تضعیف زمینه‌های اتحاد سراسری‌اش منتهی خواهد شد. با مراجعه به تجربیات گذشته به‌ویژه مبارزات کارگران برعلیه رژیم‌های توتالیتر اروپای شرقی و قیام ۵۷ چشم‌انداز و دست‌آوردهای تحقق چنین سیاستی را بروشنی نشان می‌دهد.

اگر امروز از کارگران لهستانی، رومانیایی، روسی، آلبانیایی که فعالانه در جنبش‌های همگانی شرکت جسته و پایتخت‌های کشورهای خود را به لزه درآورده بودند سوال شود چه دستاوردی داشتید، با اشاره به بیکاری وسیع، سطح نازل دستمزدها، برچیده شدن بسیاری از امکانات اجتماعی و همه‌گیر شدن عوارض دیگری چون فحشا و اعتیاد، پاسخ خواهند داد، ما فریب وعده‌های طلایی، دروغین و بی‌محتوای فراکسیون‌های سرمایه‌داری و به همراه آن رسانه‌های محلی و بین‌المللی درباره یک زندگی انسانی را خوردیم. اگر به قیام ۵۷ دقیق شویم همین صحنه را مشاهده خواهیم کرد. تحولاتی که خود ما کارگران در آن دخیل بودیم و آنرا با گوشت و پوست خویش لمس کرده‌ایم. ما درست زمانی شکست خود را رقم زدیم که به امید آینده‌ای بهتر برای نفی معلول‌های بی‌عدالتی‌های اجتماعی - صرفاً نفی دیکتاتوری - در جنبش همگانی حل شدیم، صفوف خود را تجزیه و بدین ترتیب شعارها و خواسته‌های طبقاتی‌مان را با ندای روحانیت، ملی‌گرایان و احزاب چپ و راست پیوند زدیم و به خیابان‌ها آمدیم. هورا کشیدن برای بازگشت آیت‌اله خمینی، دخالت در معرکه‌های انتخاباتی جمهوری اسلامی آری یا نه، مجلس و ریاست جمهوری، دیگر عوارض شکست بودند.

امروز نیز اگر در مبارزات همگانی حل شویم، اگر قرار باشد مبارزه ما صرفاً از دریچه مبارزه با یک جناح و یا صرفاً با ولایت فقیه و یا در عالی‌ترین شکل تعویض جمهوری اسلامی با جمهوری سرمایه‌داری دیگری بگذرد، هیچ دستاوردی برای طبقه ما نخواهد داشت جز آنکه سرنوشت خود را به دست فراکسیون‌های دیگری که به مجرد به دست گرفتن قدرت حملات خود را به سطح زندگی ما شروع خواهند کرد، می‌سپاریم. این بدین معنی است که سرمایه‌داری در همه جا به بن‌بست رسیده است و هر حزب و دسته‌ای که به قدرت می‌رسد برای حل بحران راهی جز حمله به سطح زندگی ما برای تضمین سودآوری ندارد.

## کارگران پیشرو و کمونیست!

از آنجا که طبقه ما تمام ثروت‌های جامعه را تولید می‌کند و تمام وسائل و ملزومات پیشرفت جامعه را فراهم می‌آورد از نظر سیاسی نیز نیازمند آن نیست که سرنوشت خود را به دست این یا آن بخش از طبقه سرمایه‌دار و احزاب سیاسی‌اش بسپارد و سپس حقوق خود را مطالبه کند. اگر امروز بسیاری از نیروهای اردوی ما به ابزاری در جدال‌ها و کشمکش‌های جناح‌های متعدد بورژوازی تبدیل شده‌اند و از این زاویه با توهم به دست یافتن به آینده‌ای بهتر خود را قربانی می‌کنند به این دلیل است که طبقه ما در یک سردرگمی سیاسی بسر می‌برد، از یک حزب

رزمنده و انترناسیونالیست محروم است و بدین ترتیب پاسخ آن به حملات سیاسی و اقتصادی دولت و سرمایه داران ضعیف است. حقیقت این است که بدون وجود یک حزب تأثیرگذار و انترناسیونالیست هیچ جنبش انقلابی ای به سرانجام نخواهد رسید. بنابر این ما راهی نداریم جز آنکه در جهت رفع این نیاز پایه ای حرکت کنیم، و از این دریچه با چشم اندازی روشن و آگاهانه، به گسترش مبارزات و اتحاد طبقه کارگر از سطح یک کارخانه به یک منطقه و بدین ترتیب به کل کشور یاری رسانیم. ما راهی نداریم جز آنکه تلاش برای تشکیل گردهم آیی های کارگری در مراکز تولیدی، با انتخاب کمیته ها، هیئت ها و نهادهای ضروری دیگر نیروی طبقه خویش را متمرکز نماییم و جبهه سوم، جبهه مبارزه برعلیه شرایط غیرانسانی زندگی، جبهه مبارزه برعلیه کل نظم سرمایه داری و تمام مدافعان اسلامی و غیر اسلامی شان را بگشاییم. اگر قرار است گشایشی در وضعیت اسفبار زندگی کارگران به وجود آید راه دیگری جز به زیر کشیدن سرمایه داری وجود ندارد.

۱- اخبار مربوط به وقایع خرم آباد از بررسی مطبوعات داخل و خارج کشور نقل شده است.

**سام میکائیلیان**